

بلکه آن‌ها برای وجود و عدم خود باشد، در مثلث هگل از چنین امر متضاد خبری نیست و فرضیه مثلث هگل ارتباطی به مسئله «امتداد اجتماع» نقیض ندارد.

مقصود از این اصل مسلم این است که هیچ شئی در یک آن ۲ هم‌پایه‌ای وجود ندارد و هم‌پایه‌ای عدم و مثبت باشد، در حالی که در این فرضیه از این‌ها خبری اثری نیست زیرا:

اولاً: پروا آتی‌تر دو امر وجودی هسته که باید یکدیگر در حال تشکیل می‌باشند و سرانجام دومی بر اولی بی‌روزی می‌گردد و اگر وی نام حالت نخست را ایالت و نام حالت دوم را ثقی می‌گذارند از این جهت است که حالت دوم با وجود خود، حالت نخست را ثقی می‌کند، نه اینکه «آتی‌تر» حیثیتی جز ثقی ندارد.

از این جهت، در مورد دو حالت نخست از نقیض خبری نیست و حالت سوم که همان مسئله - است موجودی بیش‌تر است که هر دو حالت نخست در آن هم‌ضم شده و در نتیجه موجود به مرحله تکامل رسیده است. این بیان نتوانست روشن کند که فرضیه هگل بر فرض سخت‌یاد و اصل استوار در منطق ارسطویی تضاد ندارد.

ثانیاً: تضاد فرضی کنید که واقعیت متزهر را ایالت، و واقعیت «آتی‌تر» را شئی تشکیل می‌دهد، ولی این ایالت و شئی در یک زمان، جمع نشده‌اند، زمانی که متزهر وجود دارد از عدم و شئی خبری نیست، آن‌گاه که عدم از راهی رسد و آتی‌تر تا حکمی می‌گردد، «تزی» وجود ندارد تا از قبیل اجتماع نقیض گردد.

ثالثاً: آتی‌تر چه جای فعلیت و قوه معرستی هر چه انسان در فلسفه اسلامی خود می‌کند، می‌بیند که محتوا و متنی اصطلاحات آن از بی‌شکل خاص برخوردار است. به گونه‌ای که مطابق معنی فلسفی را

نقطه نظر هائی در فرضیه هگل

با تعبیرهای بسیار بیانی بیان کرده است از آن جمله طرح مسأله توفیق فعل می‌باشد. تخم مرغ در حالی که از یک فعلیتی بر خوردار است به گونه ای که فعلاً به آن تخم مرغ می‌گویند، دارای قوه و توان خاص است که می‌تواند فعلیت و فعلیت‌بخش را با فعلیت دیگر تبدیل کند. یعنی این بیان در تمام تحولات طبیعی حکمفرما است.

بنابراین چیزی، که هگل نام آن را «تزی» می‌گذارد همان فعلیت موجود است که در مثال‌های یاد شده به آن «تخم مرغ» گفته است. و چیزی که آن را «آتی‌تر» می‌خوانند همان «قوه» و توانی است که در تخم مرغ یا هسته نهفته می‌باشد و می‌تواند بارشوندگی خود، فعلیت دیگری را که بالاتر و برتر از فعلیت قبلی است به وجود آورد، و هگل نام آن فعلیت بعدی را «سنز» می‌گذارد.

روی این بیان واقعیت فرضیه هگل، همان‌ها می‌تواند «آتی‌تر» و «سنز» همان مسئله فعلیت و قوه است که در فلسفه اسلامی به معنوی که در مطرح شده است چیزی که حیثیت هگل را در عدم آگاهی از این منبع غنی، است معجز اصطلاح نامتوس و دور از واقع زده است. آری بهتر نیست که در اسم گذاری، واقع بین باشیم، و از الفاظ و اصطلاحات فلسفی که در حقیقت خودداری کنیم؟

با این بیان روشن می‌گردد که مسأله «تزی» و «آتی‌تر» ارتباطی خطاهایی که در فلسفه حقیقت آن، بر این است که در بسیاری از موجودات می‌توان خاص وجود دارد که می‌تواند به جسم رسد و تکامل یابد و بر کمال آن بافرایند، و تخم مرغ را که خود کمال و فعلیتی است، به کمال برتر که همان جوجه است برساند و همچنین... و مسأله فعلیت و قوه، چه ارتباطی به تضاد و شایسته دارد؟

مجازات هم جنس بازی

هم جنس بازی جنایتی برضد انسانیت و تجاوز آشکار

به شخصیت آدمی و لگد مال کردن فضیلت انسانی است

در مسیری تاریخی جامعه انسانی از فساد و زوایل و انحرافات اخلاقی و در راه تأمین سلامت جامعه و عفت نسومی و امنیت روحی و فکری، به بررسی مجازات نچشاه و زنا پرداخته و اینکه به بررسی انحراف بزرگ اخلاقی و عدل غیر طبیعی و غیر انسانی (هم جنس بازی)، می‌پردازیم.

این انحراف که کم و بیش در بسیاری از کشورها وجود دارد، مشکلات ازدواج و تأخیر رسیدن ازدواج، در حوامه صنعتی و غرب زده، فراهم نبودن راه صحیح و سرغی از تلف غریبه جنسی، هرزه گرایی و غوغایانی خود از عوامل توسعه این بیماری و این انحراف بزرگ اخلاق است.

علیرغم پانزاد غلط برخی از تنوریسین های مادی گرایی غربی و بسیاری از غرب زده ها و تنوریسین مارکسیست که آزادی روابط جنسی و احماله آزادی نچشاه را بعنوان راه حلی برای جلوگیری از اینگونه اعمال غیر طبیعی و غیر انسانی معرفی می‌کند،

و شیوع آن را ناشی از بیعت گیری های ستی و تحریم نچشاه در قوانین آسانی و شرایع دینی می‌داند، دینیم که در کشورهای غربی و حتی در انگلستان با برخورداری از روابط آزاد زن و مرد و فراهم بودن همه همه گونه امکانات نچشاه در همه جا، این انحراف تا بدان حد شیوع و رواج پیدا کرد که «پارلمان» این کشور با اصطلاح «متعدن و پیشرفته»، این عمل ننگین و غیر طبیعی که منقور همه ملل آزاده و ممنوع از طرف تمامی پامامبران الهی و مصلحان خیر اندیش است، مجاز و قانونی اعلام کردند!

یادگفت: که این شرم آورترین و ننگین ترین قانونی است که در تاریخ بشریت، آنهم در عصر سنجبر فضا و در یکی از پیشرفته ترین کشور صنعتی غرب، به ثبت رسیده است! بیروی از افکار غرب گرایی و عصرمان

بآن تصویر زیوانه ، ازدواج شوم دو
 پسر از فرزندان صاحب منصبان - عوامل
 رژیم طاغوتی را در چند سال پیش در جزایر
 خواندید ؟

خطوطی بودن و انحراف از مسطریت
 این عمل تا بدان حد است که حتی حیوانات
 به چنین کاری مبادرت نمی کنند و جانوران
 از آن ابا دارند .

اسلام شدیداً با این انحراف مبارزه کرده
 است و قرآن کریم آشکار آنرا محکوم
 میسازد و از زبان لوط پیامبر میگوید : **مَنْ
 لُوْطًا اِذْ كَانَ يَوْمَهِ اتَّخَذَ مِنْهَا
 سَبَكُمْ بِمَا فِيْ اَعْيُنِنَا لَنْ نَّجْعَلَ لِرِجَالِ
 الْبِرِّ اَلشُّوْرَةَ مِنْ دُوْنِ النَّسَاءِ** : (۱)
 و مجازات سنگینی برای آن مقرر داشته
 است .

امام صادق (ع) فرمود حرمت این
 عمل براتب شدیدتر از فحشاء و زنا است
 و عقابوند ملت و قومی را بخاطر این عمل
 شنيع هلاک کرده است (۲) و داستان قوم
 لوط معروف است و علت هلاک و عقاب
 دورانی سرزمین آنان در قرآن بیان شده
 است - (۳)

**نظریه مذاهب اسلامی در باره
 مجازات آن**

۱ - مالک ابن انس : میگوید مجازات

مجازات هم جنس بازی

آن مطلقاً سنگبار است خواه فاعل و مفعول
 دارای زن باشند یا نباشند .

۲ - ابوحنیفه : آنرا مانند زنا نمیداند
 و حد زنا را برای آن جاری نمی سازد و
 می گوید : باید تمیز و تأدیب شود (تعزیر
 که حتی شامل حبس ابد ، یعنی حبس که
 طرف در زندان بماند ، هم می شود) وی
 می گوید اگر این عمل بصورت عادت باشد
 برای تنبیه و سیاست کشته می شود نه از
 باب حد .

۳ - در مذاهب شافعی و حنبلی این سه
 نظریه وجود دارد .

الف - حکم لوط هم مثل حکم زنا
 است - اگر مجرد باشد تازیانه و اگر زن
 داشته باشد سنگبار می شود . (۴)

ب - لوط کتند مطلقاً با سنگبار شود
 ولی لوط دهنده را باید شلاق و حد زدواج
 شهر بیرون کرد .

ج - فاعل و مفعول هر دو کشته می شوند
 خواه زن داشته باشند یا مجرد باشند .
 استدلال این حکم لغیر ، روایتی است که
 ابن عباس از پیامبر (ص) نقل کرده است .
**« مَنْ وَعَدَ تَوَّعٌ يَعْمَلُ عَمَلِ تَوَّعٍ كَلُوْطٍ
 فَاتَّخَذُوا الْفَاعِلُ وَالْمَعْمُولُ »** (۵)

فقه شیعه

در فقه شیعه و اهل بیت (ع) در قتل
 مرتکبین این عمل شنيع در صورتی که با
 شرایط ویژه نزد حاکم شرع ثابت شود ،
 اختلافی وجود ندارد و اجسامی است ولی

امام حاکم شرع در چگونگی و نحوه اتلاف
 او اختیار دارد که او را یکی از طرق پنجگانه
 معلوم سازد

**راههای تمیوت جرم و شرایط
 اجرای حد .**

عمل لوط به دو طریق دوزخ حاکم
 شرع ثابت میشود .

۱ - اگر از راه چهار مرتبه اقرار و اعتراف
 به عمل شنيع از طرف فاعل و یا مفعول در
 یک مجلس یا در چهار مجلسی و در محکمه
 شرع ، جرم ثابت می شود .

۲ - شهادت : با گواهی و شهادت
 چهار مرد عاقل و عادل که آزادانه و بدون
 اکراه و اجبار بگویند : این عمل شنيع را
 چشم خود دیده اند . و این شهادت باید
 در یک وقت و همزمان در محکمه شرع باشد
 و چنانکه در بحث مجازات زنا گفته شد
 اگر شهود ناقص شرایط باشند و اختلافی در
 نحوه شهادت و روایت آنان پیدا شود ، جرم
 ثابت نمی شود و در عوض بر گواهان باید حد
 نقد و نوبت جاری سازند .

جنس اسلام و مسلمان

مسلمانان کسی که در پناه اسلام زندگی
 می کند اگر با مسلمانی عمل شنيع لوط
 در رابطه با هم مرتکب شده باشد ، خواه عمل
 متعزیه دخول شده باشد یا نباشد .
 در رابطه با همین پاکسازی و پیشگیری از
 این انحراف اخلاقی و عدالتی که موجب
 از هم باشدگی نظام مقدس خانواده و تولید
 مثل قانونی و شرعی است و مخالف با سنت
 اصیل و هدف راستین زناشویی و ازدواج
 مقدس و تأیید کننده تربیت و پرورش
 فرزندان صالح می باشد . اسلام حتی

مجازات هم جنس بازی

نگاهی شهود اولیه را همی کرده و برای
 کسی که ببری را از روی شهوت و نیت
 بلند مشق بازی ، بوسه ، علاوه بر آنکه
 معصیت کرده و طبق روایات اسلامی مورد
 لعنت خداوند و لعنتگاهها واقع می شود ،
 حاکم شرع باید او را تعزیر کند و شلاق
 بزند .
 و برای دوسریگانه که در یک لحاف یا
 دو سرود میگذاردی که لخت در یک لحاف
 خوابیده اند یا اینکه مجبور بخوابیدن در
 آن نبودند ، مجازات و تازیانه در نظر گرفته
 شده است .
 و نیز برای جلوگیری از هرگونه وسوسه
 شیطانی و ایجاد سوء ظن بمتنی خوابیدن
 دوزخ و دو دختر بدون مانع دو وسط ، در
 زیر یک ملافه و لحاف نه تنها ممنوع و حرام
 است ، بلکه باید آنان را تعزیر نمود .
مساحقه

بر اساس مطالب یاد شده ، مساحقه که
 یک نوع همجنس بازی زناشویی است (و در
 میان جنس مؤنث اتفاق می افتد) حرام
 ممنوع است و وعده آتش دوزخ به آنان
 داده شده و آنرا چون لوط و زنا محسوب
 داشته اند ، و در صورتی که اثبات شود ، باید
 حد تازیانه به آنها زده شود . (۶)

و در اینکه موارد اگر چه چاره دیر کسی
 جاری شد و دوباره بعمل شنيع مساحقه
 مبادرت ورزید ، برای مرتبه چهارم کشته
 میشود . (۷)

در پایان این بحث باید اشاره کرد که اسلام
 برای ریشه کنی عوامل فحشاء از هر نوع
 و از هر طریق علاوه بر برنامه هایی که در
 بحث های گذشته خاطر نشان ساختیم قوانین
 و وابستگی فحشاء را نیز حرام دانسته است
 و برای واسطه ها ، سه چهارم حد زنا یعنی ۷۵
 تازیانه مقرر داشته است و نیز بقول علاوه
 بر این مجازات باید او را تبعید کند .

(۶) وسائل ج ۲ ، ص ۱۸ عن جمیل عن ابي عبد الله سئل عن التَّوَّابِي : فقال
 حَتَّى يَمُوتَ اَوْ يَكُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَبِيْسًا . . . وقال (ع) حُدُّهَا حُدُّ الزَّوْنِي
 (۷) تعزیر الوسيله ج ۲ ص ۴۰ و سایر منابع فقهی .